

فضای عمومی، ماهیتی پیچیده و چند مفهومی

پیشنهاد و چند وجهی برای گونه بندی فضاهای عمومی

rezabasirimozhdehi@gmail.com

رضا بصیری مزدهی / کارشناس ارشد طراحی شهری

k.khaliji@gmail.com

کیوان خلیجی / کارشناس ارشد طراحی شهری

بنابراین گرچه بخش اعظمی از ادبیات این موضوع به تجانس تجربه فضای عمومی، زوال کالبدی آن و به گرایش‌های خصوصی سازی، تجاری سازی و انحصاری کردن فضا اشاره دارد، اما باید اذعان نمود که چنین ادبیاتی، محصول یک دیدگاه باریک بینانه آکادمیک و گونه‌های معینی از مقاله‌های انتقادی مرتبط با فضای عمومی است و تنوع محض گونه‌های فضا که بستر شکل گیری شهرهای معاصر یا الگوهای مختلف توسعه که در سطح جهان رایج و متداول است را مورد توجه قرار نمی‌دهد.

سنن آکادمیک و تعاریف متعدد فضای عمومی

برای طبقه بندی فضای عمومی بر اساس خصوصیات آنها، تلاش بسیاری شده است که غالباً تحت تأثیر سنن آکادمیکی است و هر یک از جایی یا به علتی برآمده‌اند:

۱ دیدگاه جامعه‌شناسی

«والین» غالب فضاهای عمومی شهری معاصر را تحت عنوان «فضای دیستمتیک» (dystemic space) تعریف می‌کند؛ فضایی از روابط ناشناخته و انتزاعی که در تضادی آشکار با «فضای پروکسمیک» (proxemic space)، تعریف شده توسط هال در سال ۱۹۶۶: فضایی که تحت کنترل و نظارت فرهنگ است)، قرار دارد. در تقابل با این دو فضا، جامعه متشکل از غریبه‌هایی است که در یک فضای عمومی به‌سرمی‌برند. چنین جامعه‌ای، دنیایی از مراکز خرید، تلویزیون و اینترنت است: فرهنگ سرمایه‌داری که در آن جامعه همواره یک حالت ذهنی و عاطفی منفعل، نظرباز و مصرف‌گرا دارد (Wallin, 1998: 109).

۲ تمرکز بر تجربه فضا

«گولیک» سه نوع فضای عمومی را تعریف کرده و ادعا می‌کند که بسیاری از منتقدان، این سه فضا را با یکدیگر اشتباه می‌گیرند:

❑ «**راضی و مستغلات عمومی**»^۱: براساس تعریف سنتی جایی است که دولت رسماً مالک فضاست.

❑ «**فضای عمومی نشانه‌شناسانه**»^۲: شکل گرفته از «هویت‌های فضایی» است که رقابت بر سر فضای شهری و نیز تبعیض در آن را ترغیب می‌کند.

❑ «**قلمروی عمومی**»^۳: فضای جمعی که شهروندان در آنجا قادرند به تعاملات اجتماعی و سیاسی بپردازند (Gulick, 1998: 135-141).

۳ روابط قدرت

«کیلین»، بر این باور است که فضا، خصوصی یا عمومی، تجلی روابط قدرت است. او دو نوع فضای عمومی شهری را شناسایی می‌کند:

❑ محوطه‌ای برای تماس و ارتباط؛

❑ محوطه‌ای برای بازنمایی (به ترتیب موارد ۳ و ۲ «گولیک»).

«کیلین» معتقد است که دغدغه منتقدان این دو نوع فضا، هم برای فضاهای عمومی است و هم فضاهای خصوصی. در حقیقت، او اشاره می‌کند که تمام فضاها هم عمومی هستند و هم خصوصی و با محدودیت‌هایی چون دسترسی یا فعالیت، و آشکار یا پنهان بودن فضا روبه‌رو هستند (Kilian, 1998: 115-116).

فضاهای عمومی، عرصه ظهور وجه اجتماعی زندگی انسان در جامعه است. از این رو، این فضاها به اندازه تاریخ



زندگی انسان قدمت داشته و عضوی از جامعه است که می‌توان آن را در تمام جوامع انسانی اولیه به‌روشنی مشاهده کرد. با پیدایش اشکال جدید زندگی انسان در جوامع امروزی و پیچیدگی‌ها و دگرگونی مفاهیم در زندگی مدرن (به‌ویژه زندگی مدرن شهری)، بسیاری از اندیشمندان، در مورد خطر اضمحلال فضاهای عمومی هشدار و برخی دیگر، ظهور شکل‌های جدیدی از عرصه عمومی را نوید می‌دهند. یکی از این افراد، «متیو کارمونا»^۱ از اساتید برجسته مدرسه برنامه‌ریزی Bartlett و از تأثیرگذارترین اساتید طراحی شهری است که تاکنون چندین کتاب از او منتشر شده است. کارمونا در یکی از متأخرترین آثار خود با عنوان «بعد مدیریت فضای عمومی»، ضمن پرداختن به مفهوم فضای عمومی و تأکید بر محوریت آن؛ در بخش اول کتاب، تلاش می‌کند شکلی از گونه بندی فضاهای عمومی را ارائه نماید. این مقاله برگردانی از این بخش است.

واژگان کلیدی: فضای عمومی، فضای خصوصی، کارکرد، دسترسی، مالکیت.

مقدمه

ماهیت فضای عمومی معاصر، مستقیماً تحت تأثیر یک بستر پیچیده اجتماعی-اقتصادی است؛ بستری که فضای عمومی در آن شکل می‌گیرد. از این رو فضای عمومی یک عرصه سیاسی است و در اکثر موارد، محل نزاع و کشمکش گروه‌هایی بوده است که در مورد ماهیت و هدف فضای عمومی، چشم‌اندازهای ایدئولوژیکی متعارضی داشته‌اند: «مکانی با دسترسی و تعامل آزاد»، «مکانی عاری از کنترل نیروهای تجاری یا دولتی»، «فضایی برای اهداف خاص و تعریف شده»، «فضایی برای هنجارهای رفتاری». اما ماهیت فضای عمومی به این چند عامل ختم نمی‌شود. در حقیقت، فضای عمومی-آن گونه که امروز تجربه می‌شود- نتیجه موارد زیر است:

❑ گرایش‌ها و هنجارهای تاریخی که ریشه در دنیای کهن دارند.

❑ شیوه‌های مختلف حکمرانی، قانون گذاری، نظارت قانونی و سرمایه گذاری

❑ سنن فرهنگی

❑ اولویت‌های سیاسی و سبک‌های خاصی از زندگی که مورد حمایت آنهاست.

❑ تعادل بین نیروهای سیاسی و نیروهای بازار، پیچیدگی فزاینده فضای عمومی و محدودیت‌های اعمال شده بر مهارت‌ها و مسئولیت‌های حرفه‌ای.

۴ فاصله میان خیال تا حقیقت

«لفور»، میان «فضای باز نمایانده» (فضای مناسب و زنده یا فضای مورد استفاده) و «فضای باز نمایانده شده» (فضای برنامه‌ریزی و کنترل شده)، تفاوت قائل می‌شود. در معنای دوم، فضا به‌عنوان نظامی از رخدادها در نظر گرفته می‌شود که در طول زمان شکل گرفته و تغییر می‌کند. بنابراین، یک فضا در وهله نخست، یک بازنمایی از نوع خاصی فضا است و همراه آن طیف خاصی از کاربری‌ها شکل می‌گیرد، اما در طول زمان با سایر کاربری‌ها و فعالیت‌ها، سازگار و متناسب می‌شود (Lefebvre, 1991: 39).

۵ کنترل

«ون‌میلیک» و دیگران معتقدند که طراحی و مدیریت فضای عمومی در دهه‌های اخیر به دو گرایش یا روند عمده پاسخ داده است؛ از یک طرف، نگرانی فزاینده درباره جرم که مردم را وادار به دوری از قلمروی عمومی شهر می‌کند و آنها را به عرصه خصوصی‌شان بازمی‌گرداند و از طرفی دیگر، مطالبه سرگرمی‌های شهری همچنان فزونی می‌یافت و مردم را ترغیب می‌کرد تا در فضای بیرون خانه‌شان به کسب تجربه‌های جدید پرداخته و از آن لذت ببرند. برای «ون‌میلیک»، اینها دو روی گرایش به سوی کنترل بیشتر بوده، اما مورد دو نوع متمایز از فضای عمومی هستند:

۱) **فضای عمومی ایمن و حفاظت‌شده (Secured public space)**: مشخصه بارز آن اقداماتی است که برای تأمین حس ایمنی در فضا صورت می‌گیرد و از آن جمله می‌توان به دوربین‌های مداربسته، فعالیت‌هایی در راستای اعمال و اجرای قانون و رانندگی گروه‌های غریبه و ناآشنا، اشاره کرد.

۲) **فضای عمومی هدف‌دار (Themed public space)**: خلق محیطی خاص، ترغیب فعالیت و جذب افراد بیشتر به فضای عمومی و در نتیجه ترغیب اینکه افراد، خود پلیس خودشان باشند از اهداف آن به‌شمار می‌رود (Van Melik, Van Aalst and Van Weesep, 2007: 25-28).

۶ انطباق پذیر بودن استفاده از فضا

«فرانک» و «استیونز» معتقدند که «نرمی و سختی یک فضا وابسته به شرایطی است که از پیوند ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی آن فضا پدیدار می‌شود». بنابراین فضای نرم، قابل انطباق و نامحدود بوده و برای تنوعی از عملکردهای مختلف استفاده می‌شود. در مقابل فضای سخت، صلب و از لحاظ کالبدی محدود است و بر حسب نوع فعالیت‌هایی که می‌تواند در چنین فضایی رخ می‌دهد، کنترل شده است. گرچه برای «فرانک» و «استیونز» این کیفیات قابل تعدیل، نسبی و در یک سلسله‌مراتب پیوسته از سخت تا نرم است، اما آن دسته از گونه‌های فضا که جدیداً شکل گرفته‌اند، نسبت به آنهایی که از گذشته وجود داشته‌اند (و انواع فعالیت‌های برنامه‌ریزی نشده که منجر به نرمی و انعطاف فضا می‌شوند را ترغیب می‌کردند) غالباً از ماهیتی محدودتر برخوردارند (Franck and Stevens, 2007: 23).

۷ راهبردهای انحصاری کردن فضا

«فلاستی» پنج نوع متمایز از فضا را تعریف می‌کند که هر یک به‌واسطه نوع طراحی‌شان، به‌شکلی مانع حضور عموم در خود می‌شوند:

۱) **فضای پنهان (stealthy space)**: با تمهیداتی چون تغییر ارتفاع یا حضور عناصر حائل، استتار و از دید عموم پنهان شده و بنابراین قابل تغییر نیست.

۲) **فضای خشن (slippery space)**: دسترسی به آن به دلایلی چون بدشکلی یا طولانی بودن مسیر دسترسی، یا عدم وجود آن، دشوار است.

۳) **فضای دشوار (crusty space)**: از دسترسی به آن با موانعی چون دیوار، در یا محل بازرسی جلوگیری می‌شود.

۴) **فضای آزاردهنده (prickly space)**: فضایی که اقامت در آن دشوار و ناراحت‌کننده است. برای مثال، نشیمن‌گاه‌هایی که طراحی‌شان نامناسب

و آزاردهنده است و برای مدت زیادی کسی بر روی آنها نمی‌نشیند؛ یا دست‌اندازهایی که شیب آنها زیاد است و کسی نمی‌تواند بر روی آنها بنشیند.

۵) **فضای نگران و مضطرب (jittery space)**: فضایی که فعالانه مورد پایش و فرابینی قرار دارد و بدون مشاهده و دید به آن فضا، قابل استفاده نیست (Flusty, 1997: 48-49).

۸ بازتاب میزان شمولیت و دربرگیرندگی فضا

«مالون» با اقتباس از ایده فضاهای باز و بسته «سیبلی» (۱۹۹۵) و بر اساس پذیرش هر فضا از ماهیت اختلاف و تنوع، به تعریف فضاها پرداخته است. بنابراین، فضاهای باز مرزهای محوی دارند و مشخصه اصلی آنها اختلاط و تنوع اجتماعی است (مانند کارناوال‌ها، جشنواره‌ها و بوستان‌های عمومی) فضاهای بسته مرزهای مشخصی داشته و اشیاء مردم و فعالیت‌هایی که با فضا سازگار نیستند را در خود راه نمی‌دهند (مانند کلیساها، برخی از مراکز خرید و مدارس). در فضاهای بسته حفظ و نگهداری مرزهای فضا و تعریف درست آن، بسیار حائز اهمیت است (Malone, 2002: 158).

۹ کاربران فضا

«بورگس» فضا را به‌عنوان مجموعه‌ای از چشم‌اندازها طبقه‌بندی می‌کند که قلمروی بخش‌های خصوصی گوناگون یا گروه‌های ذی‌نفع مختلف را شکل می‌دهد.

۱) **فضای عمومی به‌پا‌خاسته (erected public space)**: چشم‌اندازی از رشد شتابان اقتصادی و توان بالقوه حکومتی.

۲) **فضای عمومی به‌نمایش گذاشته شده (displayed space)**: چشم‌اندازی از وسوسه و اغوا.

۳) **فضای عمومی متعالی و تحسین شده (exalted space)**: چشم‌اندازی از وجد و هیجان.

۴) **فضای عمومی عریان و در معرض دید قرار گرفته (exposed space)**: چشم‌اندازی از انعکاس و پرستش.

۵) **فضای عمومی رنگین و ملون (coloured space)**: چشم‌اندازی از مهاجرین و اقلیت‌ها.

۶) **فضای عمومی فرعی و در حاشیه (marginalised space)**: چشم‌اندازی از انحراف و محرومیت را به نمایش می‌گذارد (Burgers, 1999).

۱۰ نحوه درگیری و تعامل کاربران با فضا

«دینس» و «کتل» با استفاده از درگیری اجتماعی با فضا و درک آن، پنج دسته فضای مختلف را شناسایی نمودند که البته کاملاً از هم جدا نبوده و ممکن است دو به دو با یکدیگر سازگاری‌هایی نیز داشته باشند:

(Dines and Cattell, 2006: 26-31)

۱) **مکان‌های هرروزه (everyday places)**: طیفی از فضاهای محلی تکراری و کسل‌کننده است که تا حدی نقش قلمروی عمومی و مکان‌های روزمره و ویژه تعاملات اجتماعی را بازی می‌کند.

۲) **مکان‌های معنا (places of meaning)**: این مکان‌ها از فردی به فرد دیگر متفاوت بوده و با تداعی‌ها و معانی خاص هر مکان در ارتباط است؛ معانی ویژه‌ای که می‌توانند مثبت یا منفی باشند.

۳) **محیط‌های اجتماعی (social environments)**: به‌واسطه طراحی و نوع کاربری‌های موجود در فضا، فعالانه تعاملات اجتماعی میان کاربران را ترغیب می‌کند.

۴) **مکان‌های خلوت و خصوصی (places of retreat)**: فرصتی را برای تنهایی، یا ارتباطات یک گروه دوستانه کوچک فراهم می‌کند.

۵) **فضاهای منفی (negative spaces)**: جایی که برخی از جنبه‌های

رفتارهای ضداجتماعی بروز می‌کند که از آن جمله می‌توان به تبعیض نژادی و فعالیت‌های مخرب که غالباً تهدیدکننده نیز هستند، اشاره کرد.

۱۱ کاراکتر کالبدی-ریخت‌شناسی

از میادین وسیع «کاملوسیته» (۱۸۸۹)، تا میادین بسته، تحت تسلط، هسته‌ای و بی‌شکل «زوکِر» (۱۹۵۹) و تا تلاش و اقدامات برادران «کریر» در دسته‌بندی دقیق گونه‌شناسانه فضاهای شهری می‌توان نقش کاراکتر و ریخت‌شناسی را در دسته‌بندی فضاهای عمومی مشاهده کرد.

۱۲ عملکرد

«گل» و «گمزو» سی و نه فضای شهری جدید را در قالب پنج نوع فضا دسته‌بندی کردند: میادین اصلی شهر، تفرج‌گاه‌ها، میادین تفریحی، ترافیکی و یادمانی (Gehl and Gemzoe, 2000: 87). این در حالی است که «کار» و دیگران بازده نوع فضا را شناسایی نمودند (Carr, Francis, et al, 1992: 79):

❑ بوستان‌های عمومی

❑ میادین و پلازاها

❑ فضاهای یادمانی

❑ بازارها

❑ خیابان‌ها

❑ زمین‌های بازی

❑ فضاهای باز جمعی

❑ رهباغ‌ها و مسیرهای مشجر

❑ بازارهای موجود در فضای باز بیرونی

❑ فضاهای کشف‌شده/فضاهای روزمره

❑ لبه آب (مناطق ساحلی رودخانه‌ها و ...)

جمع‌بندی: گونه‌بندی فضاهای عمومی

«کوهن» معتقد است که اصطلاح «فضای عمومی» مفهومی

چندشاخه است که از آن تعاریف زیاد و گاه متناقضی وجود دارد (Kohn, 2004: 11-12). اگرچه او به‌منظور تمییز دادن فضاها، سه مفهوم را شناسایی می‌کند که عبارت است از: مالکیت (ownership)، قابلیت دسترسی (accessibility) و ذهنیت متقابل (intersubjectivity) بدان معنی که آیا فضا ارتباط و تعامل را ترغیب و ترویج می‌کند یا خیر، اما اشاره می‌کند که با روند فزاینده پیچیده‌تر شدن قلمروهای عمومی و خصوصی، ارائه یک دسته‌بندی مشخص نیز به‌مراتب دشوارتر می‌شود.

علی‌رغم آنچه گفته شد، مشکل فضای عمومی معاصر، عدم موفقیت در درک فضا و ابعاد چندگانه آن است، که می‌توان آن را بیشتر تصادفی دانست تا اینکه آن را به زوال و بدتر شدن فضای عمومی نسبت داد. با نظر به این مهم، می‌توان گونه‌شناسی دیگری از فضا را ارائه داد.

با انعکاس چنین بحثی در این فصل و بسط دسته‌بندی سه‌گانه «کوهن»، گونه‌شناسی جدید ارائه‌شده، از جنبه‌هایی چون «کارکرد»، «مالکیت»، و «ادراک» به‌منظور تمییز دادن گونه‌های مختلف فضا استفاده می‌کند. بیست فضایی که در ادامه و در چهار دسته فراگیر معرفی می‌شود، تسلسلی از فضای کاملاً عمومی تا فضای کاملاً خصوصی را دربرمی‌گیرد.

جدول صفحه بعد طیف گسترده‌ای از انواع فضاها را که یک حوزه شهری می‌تواند در اختیار داشته باشد، نشان می‌دهد. اینکه چه تعدادی از این فضاها واجد معانی و مفاهیم یکسانی است، مالکیت آنها چگونه است یا میزان عمومی یا خصوصی بودن آنها چقدر است، از جمله مسائل مبهم و غیر واضح است. برخی از این فضاها همیشه به همین شکلی بوده‌اند که در جدول آمده است؛ برای مثال، مغازه‌های خصوصی همواره برای عموم قابل دسترس است. برخی دیگر از این فضاها چون «فضاهای عمومی درونی‌شده»، پدیده‌ای نسبتاً جدید است که در حال رواج و غلبه در حوزه‌های شهری معاصر هستند.

پی‌نوشت

1 Matthew Carmona / 2 public property / 3 Semiotic / 4 public sphere / 5 function / 6 perception

منابع

- ❑ Burgers, J. (ed.) (1999) *De Uistad: Over Stedelijk Vermaak*, Utrecht, Van Arkel.
- ❑ Dines, N. and V. Cattell (2006) *Public Spaces, Social relations and Well-being in East London*, Bristol, The Policy Press.
- ❑ Flusty, S. (1997) *Building paranoia*, in N. Ellin (ed.), *Architecture of Fear*, New York, Princeton Architectural Press.
- ❑ Franck, K. and Stevens, O. (2007) *Loose Space: Possibility and Diversity in Urban Life*, London, Routledge.
- ❑ Gehl, J. and L. Gemzoe (2000) *New city Spaces*, Copenhagen, The Danish Architectural press.
- ❑ Gulick, J. (1998) *The disappearance of public space: an ecological Marxist and Lefebvrian approach* in A. Light and J. Smith (eds) *The Production of Public Space*, Oxford, Rowman and Littlefield.
- ❑ Kilian, T. (1998) *Public and private, power and space*, in A. Light and J.M. Smith (eds) *Philosophy and Geography II: The Production of Public Space*, Lanham, MD, Rowman & Littlefield.
- ❑ Kohn, M. (2004) *Brave New Neighbourhoods: The Privatization of Public Space*, London, Routledge.
- ❑ Lefebvre, H. (1991) *The Production of Space*, London, Basil Blackwell.
- ❑ Malone, K. (2002) *Street life: Youth*, culture and competing uses of public space, *Environment and Urbanization*, 14(2): 157-68.
- ❑ Van Melik, R., I. Van Aalst and J. Van Weesep (2007) *Fear and fantasy in the public domain: The development of secured and themed urban space*, *Journal of Urban Design*, 12(1): 25-42
- ❑ Wallin, L. (1998) *Stranger on the green* in A. Light and J.M. Smith (eds) *Philosophy and Geography II: The Production of Public Space*, Lanham, MD, Rowman & Littlefield.

گونه‌های مختلف فضای عمومی شهری

نمونه‌ها	ویژگی‌ها	گونه فضا
فضای مثبت (Positive space)		
رودخانه‌ها، عوارض طبیعی، سواحل دریا، مجاری آبی	عوارض طبیعی و نیمه‌طبیعی در حوزه‌های شهری/نوعاً تحت مالکیت دولت	فضای شهری طبیعی و نیمه‌طبیعی (Natural/semi-natural urban space)
خیابان‌ها، میدان و تفریح‌گاه‌ها	اشکال سنتی فضای شهری، که به روی عموم باز و برای همه قابل دسترس است و تنوعی از عملکردهای مختلف را تأمین می‌کند.	فضای مدنی (Civic space)
بوستان‌ها، باغ‌ها، فضاهای کوچک مشاع شهری، قبرستان‌ها	فضای عمومی تحت کنترل و مدیریت‌شده، نوعاً سبز و قابل دسترس برای همه.	فضای باز عمومی (Public open space)
فضای منفی (Negative space)		
معابر اصلی، مسیرهای سواره، مسیرهای راه‌آهن، زیرگذرها	فضایی که تحت تسلط نیازهای حرکتی است و عمدتاً برای حمل‌ونقل موتوری استفاده می‌شود.	فضای حرکت (Movement space)
پارکینگ‌ها، محوطه‌های خدماتی	فضایی تحت تسلط ملزومات خدمات‌دهی مدرن	فضای خدمات (Service space)
فضاهای باز مدرنیستی	فضایی باقی‌مانده از ساخت‌وسازهای انجام‌شده که غالباً فاقد عملکرد است.	فضای پس‌مانده (Left-over space)
فضاهای متروک، فضاهای موقتی	فضای ساخته‌نشده، متروک یا در انتظار ساخت‌وساز	فضای تعریف‌نشده (Undefined space)
فضاهای مبهم (Ambiguous space)		
متروها، پایانه‌های اتوبوس و قطار، و ایستگاه‌های اتوبوس و تراموا	ایستگاه‌ها و پایانه‌های داخلی یا خارجی	کانون‌های تبادل سفر (Interchange space)
فضاهای مدنی دارای مالکیت خصوصی، بوستان‌های تجاری، عرصه کلیساها	فضایی بیرونی، که به‌نظر عمومی می‌آید، اما در حقیقت از مالکیت خصوصی برخوردار است و ممکن است از حد کنترل زیاد (یا کمی) برخوردار باشد.	فضای "خصوصی" عمومی (Public private space)
Cul-de-sacها، محوطه‌های بیرونی خاصی که به‌شکل تصنعی و غیرواقعی، کنترل می‌شوند.	فضاهای عمومی که هدف از طراحی آنها این است که حضور غریبه‌ها در آنها بسیار مشهود و آشکار باشد؛ این فضاها بالقوه دعوت‌کننده نیستند.	فضای مشهود و انگشت‌نما (Conspicuous spaces)
مراکز خرید و فراغتی، ابرساختمان‌های درونگرا	کاربری‌های رسمی عمومی و بیرونی، که درونی و خصوصی شده است.	فضای عمومی درونی‌شده (Internalised public space)
مغازه‌ها، بازارهای سرپوشیده، پمپ‌بنزین‌ها	دارای مالکیت خصوصی اما قابل دسترس برای عموم	فضای خرده‌فروشی (Retail space)
کافه‌ها، رستوران‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز مذهبی	مکان‌های اجتماعی نیمه‌عمومی به‌منظور تجمع و گردهم‌آمدن	فضای اجتماعی (Third place spaces)
سازمان‌ها و نهادهای اداری، اراضی مسکونی و پردیس‌های دانشگاهی	مالکیت عمومی؛ اما با فضایی کارکردی برای کاربران معین	فضای "عمومی" خصوصی (Private public space)
باغچه‌های جلوی ساختمان‌ها، اراضی زراعی کوچک، و ...	باغچه‌های جلوی ساختمان‌ها، اراضی زراعی کوچک، و ...	فضای خصوصی مرئی (Visible private space)
کافه‌های خیابانی، فضای پیاده خصوصی	از لحاظ کالبدی دارای حدود مشخصی است، اما از لحاظ دسترسی عموم، فصل مشترک فضایی خصوصی و عمومی است.	فضای مشترک (فصل مشترک) (Interface spaces)
محوطه‌های اسکیت‌سواری، زمین‌های بازی، عرصه‌های ورزشی	فضاهایی برای گروه‌های خاص سنی و فعالیتی، که بعضاً بر آنها کنترل و نظارت نیز می‌شود.	فضایی با کاربران منتخب و گزینشی (User selecting spaces)
فضاهای خصوصی (Private space)		
پس‌مانده‌های اراضی شهری کشاورزی، اراضی جنگلی خصوصی	فضاهای بازی که از لحاظ کالبدی، خصوصی هستند.	فضای باز خصوصی (Private open space)
خیابان‌های خصوصی، باغچه‌های خصوصی، باشگاه‌های ورزشی خصوصی، پارکینگ‌های خصوصی	فضاها، اراضی و باغ‌هایی که از لحاظ کالبدی، خصوصی هستند	فضای خصوصی بیرون (Private public space)
دفاتر، خانه‌ها و ...	فضای خصوصی یا تجاری	فضای خصوصی داخلی (Internal private space)